

رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمدی

والی رضایی *

محمد خیرخواه[†] **

چکیده

رده‌شناسی زبان شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که به مطالعه تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌مند میان زبان‌های جهان و مقایسه ساختارهای صرفی و نحوی میان زبان‌های مختلف بدون در نظر گرفتن پیشینه آنها می‌پردازد. یکی از مباحث اصلی این شاخه ترتیب واژه است که بر مبنای آن، زبان‌های گوناگون از لحاظ ترتیب و توالی سازه‌ها بررسی می‌شوند و طبقه‌بندی و مقایسه زبان‌ها با بررسی این ترتیب‌ها انجام می‌گیرد. در این تحقیق سعی بر آن است تا گویش لری بویراحمدی از منظر رده‌شناسی ترتیب واژه بررسی تا مشخص شود که این گویش به کدام یک از رده‌های فعل‌میانی یا پایانی تعلق دارد. جهت نیل به این هدف ابتدا به جمع‌آوری و ثبت داده‌های گویش‌وران بومی شهر سی‌سخت و روستاهای اطراف، در استان کهگیلویه و بویراحمد پرداختیم تا ساخت‌های مختلف زبان لری را از منظر مؤلفه‌های ۲۴ گانه درایر بررسی کنیم. سپس به مقایسه زبان لری با زبان‌های جهان و زبان‌های اروپا - آسیا پرداختیم. نتایج حاصله نشان می‌دهد که لری بویراحمدی در بسیاری از ساخت‌ها شباهت زیادی با زبان فارسی دارد و گرایش غالب در این زبان هم در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا و هم زبان‌های جهان به سمت زبان‌های فعل‌میانی قوی است. در مقایسه با زبان‌های جهان این زبان دارای ۱۴ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی و ۲۰ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی است. این مؤلفه‌ها به همین نسبت در مقایسه با زبان‌های اروپا - آسیا صدق می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی، لری بویراحمدی، ترتیب سازه‌ها، همبستگی رده‌شناختی

* دانشیار دانشگاه اصفهان. Email: vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

۱. مقدمه

شهرستان دنا با مرکزیت شهر سی سخت یکی از شهرستان‌های استان کهگلویه و بویراحمد می‌باشد که در شمال این استان واقع شده و دارای مساحتی بالغ بر ۱۸۲۱ کیلومتر مربع می‌باشد. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های سمیرم استان اصفهان و لردگان چهارمحال و بختیاری و از جنوب به شهرستان بویراحمد محدود می‌باشد. در این مطالعه، گویش مردم شهر سی سخت و روستاهای اطراف آن مورد توجه است. سی سخت در ۳۵ کیلومتری شهر یاسوج و در دامنه زیبای کوه دنا قرار گرفته است. جمعیت این شهر براساس سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۷۳۸۹ نفر اعلام شده است که همگی به گویش لری بویراحمدی تکلم می‌کنند. روش جمع‌آوری داده به این صورت بود که در ابتدا صدای افراد مسن در مهمانی‌ها ضبط شد؛ در مورد کسانی که امکان ضبط صدای آنها در مهمانی‌ها وجود نداشت، درخواست می‌شد که در مورد زندگی در زمان‌های گذشته و تفاوت آن با زمان حال صحبت کنند. البته در این راه دوستان و خویشاوندان هم در ضبط داده‌ها به محقق کمک نمودند. داده‌های جمع‌آوری شده به صورت نوشتاری درآمد تا استخراج داده‌های مورد نیاز به سهولت صورت گیرد. از این داده‌ها که در موقعیت‌های واقعی به دست آمده است، برای بررسی گویش لری بویراحمدی از منظر رده‌شناسی ترتیب واژه استفاده شد تا مشخص شود که این گویش به کدام یک از رده‌های فعل میانی یا پایانی تعلق دارد.

۲. بنیان نظری

سونگ* (۲۰۱۰: ۲) رده‌شناسی را به عنوان روشی برای کشف طبیعت زبان و همچنین به عنوان روشی نظری جهت مطالعه زبان می‌داند. هدف عمده پژوهش در مطالعات رده‌شناسی، دسته‌بندی زبان‌های جهان و یافتن روابط موجود میان آنها به لحاظ ساختارهای نحوی و ارائه اهمیت رده‌شناختی آنها است. گرینبرگ† (۱۹۶۳ و ۱۹۶۶) در مقاله خود با عنوان "برخی همگانی‌های دستوری با تأکید ویژه بر توالی عناصر معنی‌دار" همبستگی میان مؤلفه‌های زبان را عنوان کرد. وی در آن مقاله از دو اصل غلبه‡ یک توالی خاص بر گروهی دیگر و رابطهٔ هماهنگ§ و ناهماهنگ** میان اجزاء مؤلفه‌های مختلف سخن می‌گوید که همگانی ۲۵ گرینبرگ از این دو اصل منتج شده است. در واقع ترتیب غالب را همیشه می‌توان انتظار

* . Song

† . Greenberg

‡ . dominance

§ . harmonic

** . disharmonic

رخدادش را داشت اما ترتیب مغلوب فقط هنگامی رخ می‌دهد که ساختی هماهنگ با ساخت مغلوب موجود باشد. موضوع تعامل و رقابت میان اصل‌ها را رده‌شناسان تحت عنوان «انگیزه‌های رقابت‌کننده»^{*} بیان کرده‌اند (کرافت، ۲۰۰۳: ۶۴). بر اساس این مفهوم، هر رده زبانی باید از دست کم یک اصل تبعیت کند. هر چه یک رده زبانی از تعداد بیشتری از اصل‌ها تبعیت کند بسامد رخداد آن رده نیز بیشتر خواهد بود. (هاکینز[†]، ۱۹۸۳، ۱۹۸۰) در آثارش دو انگیزه رقابت‌کننده را مطرح کرده است: «سنگینی»[‡] و «تحرك»[§]، سنگینی به تعداد هجاها، واژه‌ها، و سازه‌های نحوی یک واحد دستوری اشاره دارد. در انگیزه سنگینی وابسته‌های سنگین‌تر مانند بند موصولی گرایش دارند پس از هسته واقع شوند و وابسته‌های سبک‌تر مانند صفات، پیش از هسته. تبیین دیگر مفهوم «تحرك» می‌باشد: هاکینز این مفهوم را به منزله انگیزه‌ای رقابت‌کننده با مفاهیم «هماهنگی» و «سنگینی» مطرح کرده است: اینکه مفهوم تحرك تبیین‌کننده استثناء-هایی است که به مفاهیم هماهنگی و سنگینی وارد می‌شود. مفهوم تحرك حاکی از آن است که در بعضی زبان‌ها ترتیب رخداد برخی وابسته‌ها نسبت به هسته‌های خود متغییرتر و بی‌ثبات‌تر است از ترتیب رخداد وابسته‌های دیگر آن هسته؛ از این رو احتمال اینکه این وابسته‌ها حرکت کنند و در نتیجه ترتیب هماهنگ را به ترتیبی ناهماهنگ تغییر دهند، بسیار است (هاکینز، ۱۹۹۸: ۷۶۱). وی در اثر دیگری از «اصل تأخر گره-های وابسته»^{**} سخن به میان می‌آورد. وی این اصل را متعلق به نظریه کنش زبانی می‌داند و آن را به این صورت مطرح کرده است که هرگاه گره *y* به لحاظ معنایی و یا نحوی وابسته به گره *x* باشد، آنگاه ذهن انسان ترجیح می‌دهد که *x* را پیش از *y* دریافت و پردازش کند. این حالت در ۹۶ درصد از زبان‌های دنیا براساس دسته‌بندی سه‌گانه گرینبرگ جای می‌گیرد. این سه رده عبارتند از: فاعل - مفعول - فعل، فاعل - فعل - مفعول، فاعل - مفعول، که در هر سه رده فارغ از جای فعل، فاعل همواره قبل از مفعول ظاهر می‌شود. بعدها رده‌شناسان سه رده ممکن دیگر به این سه رده اضافه کردند. در واقع این ترتیب واژه‌ها، ترتیب بی‌نشان چینش سازه‌هاست که ممکن است در زبان‌ها به دلایل گوناگونی چون تأکید تغییر یابد. لمان^{††} (۱۹۷۸a و ۱۹۷۸c) با توجه به گرینبرگ (۱۹۶۶c) اصلی را با عنوان «اصل پایه‌ای مکان»^{‡‡} کرد. وی در این اصل بیان کرد که ساختار نحوی از فعل و مفعول تشکیل شده است و فاعل جزء ساختار اولیه نیست؛ کما اینکه در زبان‌های ضمیرانداز حائز اهمیت نیست. لمان، رده ترتیب کلمات گرینبرگ را به

* . Competing motivations

† . Hawkins

‡ . heaviness

§ . mobility

** . Dependent Node Later

†† . Lehmann

‡‡ . Fundamental Principle of placement

OV و VO کاهش داد. با این کار با فرض دانستن ترتیب OV بودن یک زبان قادر به این پیش‌بینی هستیم که در این زبان عناصر اسمی*، صفات، اضافه[†] و اصطلاحات موصولی در طرف چپ اسم، و برای VO در طرف راست اسم قرار می‌گیرد. تعدادی از زبان‌های دنیا از این الگو پیروی نمی‌کنند و لمان در تبیین آن، این‌گونه بیان می‌کند که آنها در زیرساخت صورت را تغییر داده‌اند. ولمان[‡] (۱۹۷۴: ۸۰) نیز همانند لمان ترتیب کلمات را به دو شق OV و VO تقلیل داد. در حقیقت وی ترتیب واژه‌گرینبرگی را به زبان‌های وابسته- هسته در مقابل هسته- وابسته تقسیم کرد. کامری (۱۹۸۹: ۹۶، ۹۹، ۱۰۰) تردید خود را نسبت به صورت تقسیم‌بندی دوگانه بیان می‌کند و می‌گوید که اگرچه ادغام دو ترتیب فعل- فاعل- مفعول و فعل- مفعول- فاعل در یک رده یعنی رده فعل- مفعول (VO) که با حذف فاعل ممکن می‌شود و به علت سازگاری ویژگی‌های رده‌شناختی دیگر آن دو توجیه‌پذیر است، اما گنجاندن زبان‌های با ترتیب فاعل- فعل- مفعول در همان رده، که آن نیز با حذف فاعل میسر می‌گردد، مورد تردید است؛ زیرا ویژگی‌های رده‌شناختی این زبان‌ها با دو گروه نخست همسان و همانند نیست. ترتیب فعل- مفعول آن است که الف) پیش‌اضافه دارد، ب) در آن مضاف‌الیه پیش از مضاف واقع می‌شود، ج) موصوف قبل از صفت ظاهر می‌شود. بر همین اساس زبان دارای ترتیب مفعول- فعل آن است که: الف) دارای پس‌اضافه است، ب) در آن مضاف- الیه پیش از مضاف واقع می‌شود، ج) صفت پیش از موصوف ظاهر می‌شود. برای پیشگیری از ابهام و سردرگمی در به کار بردن این اصطلاحات، ولمان (۱۹۷۲) از اصطلاحات “عمل”[§] و “عملگر”^{**} که در واقع همان تعبیر آشنای هسته- وابسته است، استفاده می‌کند. دراین تعبیر عمل می‌تواند فعل، اسم، مضاف، فعل کمکی باشد و “عملگر” می‌تواند مفعول، صفت، مضاف‌الیه، بند موصولی، عدد، قید، فعل اصلی باشد. در میان تبیین‌های گوناگون که برای همبستگی‌ها بیان شده است، درایر (۱۹۹۲) نظریه هسته- وابسته را مورد انتقاد قرار می‌دهد. به باور وی نظریه عمل (هسته)- عملگر (وابسته) پارامتر مطرح در زبان- شناسی برای تمایز بین زبان هسته‌آغازی و زبان‌های هسته پایانی نمونه‌هایی از نظریه هسته- وابسته می- باشند. وی ایراد عمده وارد به این نظریه را نبود اجماع درباره اینکه چه عناصری هسته و چه عناصری وابسته‌اند، می‌داند. با توجه به این موضوع، وی نظریه جایگزین خود را با عنوان نظریه سوی انشعاب پیشنهاد کرد. بر اساس این نظریه، سازه‌های هم‌الگو با فعل مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های هم‌الگو با مفعول مقوله‌های گروهی (انشعابی) می‌باشند. در نظریه سوی انشعاب، زبان‌ها تمایل به سوی یکی از دو وضعیت آرمانی دارند؛ به این صورت که زبان‌های راست‌انشعابی تمایل دارند که در آنها

* . Nominal Elements

† . Genetive

‡ . Vennemann

§ . Operand

** . Operator

مقوله‌های گروهی پس از مقوله‌های غیرگروهی قرار گیرند و زبان‌های چپ‌انشعابی به صورت عکس دیده می‌شوند (دبیر مقدم: ۱۲۲). درایر (۱۹۹۲: ۱۳۳) تصریح می‌کند که نحوه‌ی پردازش ذهنی اطلاعات است که تمایلات زبان‌ها به سوی چپ‌انشعابی بودن و یا راست‌انشعابی بودن را مشخص می‌کند. به این صورت که پردازش ذهنی ساخت‌های یکدست از نظر سوی انشعاب آسان‌تر از پردازش ساخت‌های غیر یکدست و آمیخته است. درایر (۱۹۹۲) در مقاله خود تحت عنوان "همبستگی ترتیب واژه گرینبرگی" ۲۳ همبستگی را معرفی می‌نماید که هر همبستگی را می‌توان سنجش ترتیب رخداد یک جفت مؤلفه X و Y را با ترتیب رخداد فعل نسبت به مفعول دانست. وی می‌گوید اگر ترتیب رخداد جفت X و Y با ترتیب رخداد فعل و مفعول به لحاظ آماری همبستگی نشان دهند، آنگاه جفت X و Y جفت همبستگی خوانده می‌شود که در این جفت همبستگی X هم‌الگو با فعل و Y هم‌الگو با مفعول دانسته می‌شود. به عنوان مثال در زبان‌های دارای ترتیب مفعول-فعل تمایل به استفاده از پیش‌اضافه دیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که جفت <حرف اضافه (شامل پیش‌اضافه و پس‌اضافه) و گروه‌های اسمی جفت همبستگی هستند و در این جفت "حروف اضافه" هم‌الگو با فعل و گروه‌های اسمی همراه آن حروف اضافه هم‌الگو با مفعول می‌باشد (دبیر مقدم ۱۱۹). درایر (۱۹۹۲) آمار همبستگی مناطق جغرافیایی گوناگون را محاسبه نموده است.

۳. رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در گویش لری بویراحمدی

این بخش مشتمل بر دو زیربخش می‌باشد. در زیربخش اول، مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در گویش لری بویراحمدی با ارائه مثال‌های گوناگون سنجیده می‌شوند. در زیربخش دوم، وضعیت رده‌شناسی این گویش با توجه به این مؤلفه‌ها توصیف می‌شود.

۳-۱. تحلیل مؤلفه‌های ۲۴ گانه در گویش لری بویراحمدی

۱) نوع حرف اضافه (پس‌اضافه یا پیش‌اضافه)

گویش لری بویراحمدی زبانی پیش‌اضافه‌ای است. تعدادی از حروف اضافه رایج در لری بویراحمدی عبارتند از: væ (به، از)، si (برای)، men (درون)، bā (با، همراه)، bey (با، همراه)، tey (نزد) در مثال-های زیر نمونه‌هایی از کاربردهای آن آورده شده است.

(1)	va	dar	'به بیرون'	(2)	si:	hi:ma	'برای همیزم'
	به	بیرون			برای	همیزم	

۲) توالی هسته اسمی و بند موصولی

در این گویش بند موصولی بعد از هسته‌ی اسمی جای دارد.

در این گویش بند موصولی بعد از هسته‌ی اسمی جای دارد.

(3)	tefang-i	ke	tey-š	bi-ø	تفنگی که پیشش بود.
		هسته‌نما - تفنگ	۳ش م - پیش	بود	

در این مثال حرف اضافه «tey» میزبان واژه‌بست مطابقه مفعولی است.

۳) توالی مضاف و مضاف‌الیه

در این گویش همانند زبان فارسی مضاف قبل از مضاف‌الیه واقع می‌شود.

(4)	ketáb-e	ahmad	(5)	zan-e	affšin	زن افشین
		احمد			افشین	نشانه اضافه - زن
		نشانه اضافه - کتاب				

(6)	hu:n-ey	yekdo	نوعه همدیگر
-----	---------	-------	-------------

نشانه اضافه که میان هسته و وابسته قرار می‌گیرد، مصوت /e/ می‌باشد، که به صورت‌های زیر ظاهر می‌گردد:

- ۱ - اگر هسته، مختموم به صامت باشد، /e/ بعد از هسته قرار می‌گیرد، مانند مثال (۵)
- ۲ - اگر هسته، مختموم به مصوت‌های /a/ و /a/ باشد، این مصوت‌ها به مصوت مرکب /ey/ تبدیل می‌شود. مانند (hu:na) در مثال (۶).

۴) توالی صفت و مبنای مقایسه

مبنای مقایسه هم می‌تواند قبل از صفت قرار گیرد و هم بعد از آن؛ از این رو در ستون ۴ مربوط به مؤلفه‌ها، هر چهار خانه علامت‌گذاری شده است.

(7)	gapu-tar	væ	ali	'بزرگتر از علی'	(8)	va	ali	gapu-tar	'از علی بزرگتر'
		تر - بزرگ	از	علی		تر - بزرگ	علی	از	

نشانه صفت برتر /tar/ می‌باشد که به پایان صفت ساده افزوده می‌گردد. حرف اضافه به کار رفته نیز /va/ به معنی از است که هم به صورت پیش اضافه و هم به صورت پس اضافه به کار می‌رود.

۵) توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای

در این گویش گروه حرف اضافه اغلب قبل از فعل ظاهر می‌شود.

(9) men tu xos-i-om (10) ra-t-i si hi:ma

هیزم برای ۲ش‌م - نشانه گذشته - رو ۱ش‌م - نشانه گذشته - خوابید اتاق داخل

‘برای هیزم رفتی؟’ ‘در اتاق خوابیدم.’

در مثال ۱۰ مشاهده می‌شود که حرف اضافه /si/ به معنی برای بعد از فعل قرار گرفته است. بنابراین در ستون مؤلفه‌ها هر چهار خانه علامت‌گذاری خواهد شد.

۶) توالی فعل و قید حالت

قید حالت پیش از فعل به کار می‌رود.

(11) yavāš dok-es-om ‘به آرامی دویدم.’

۱ش‌م - نشانه گذشته - دوید به آرامی

قید حالت با فعل و فاعل به لحاظ جنس دستوری مطابقت ندارد.

۷) توالی فعل اسنادی و گزاره /مسند

در این گویش گزاره قبل از فعل اسنادی می‌آید.

(12) veyčo da na-bi ‘دیگر اینجا نبود’ (13) hâl-eš vajâ bi ‘حالش خوب بود’

بود - نفی دیگر اینجا بود خوب ۳ش‌م - حال

در این مثال‌ها تمامی گزاره‌ها قبل از افعال اسنادی «بودن» قرار می‌گیرند.

۸) توالی فعل «خواستن» و فعل بند پیرو

فعل «خواستن» قبل از فعل بند پیرو قرار دارد.

(14) mo i: xâs-om be-ra-m 'من می‌خواهم بروم.'

اشم-رو-التزامی اشم-خواه-انجباری من

در گویش لری بویراحمدهی مادهٔ زمان گذشته با حذف نشانه مصدر ساخته می‌شود و به یکی از صامت‌های /d/، /t/ و /s/ ختم می‌گردد (رک. مقیمی، ۱۳۷۳). در مثال ذکر شده می‌توان این فرایند را مشاهده کرد. جایی که با حذف نشانه مصدر /tan/ به صامت /s/ ختم شده است.

۹) توالی موصوف و صفت

در این گویش صفت بعد از اسم واقع می‌شود؛ اما در مواردی نیز صفت می‌تواند قبل از اسم قرار گیرد که به دلیل بسامد کم این ساخت می‌توان آن را نادیده گرفت.

(15) melki-e âbâ 'خوب پیری بود' (16) xub keri bi 'کنش نو'

Ø-بود پیری خوب نو نشانه اضافه-کنش

۱۰) توالی صفت اشاره و اسم

صفت اشاره قبل از اسم می‌آید. مطابقت جنسیت دستوری بین صفت اشاره و اسم در این گویش وجود ندارد.

(17) u: mory 'آن مرغ' (18) i: zamin 'این زمین'

مرغ آن زمین این

۱۱) توالی قید مقدار و صفت

قید مقدار پیش از صفت جای دارد.

(19) mahli beland 'خیلی بلند' (20) mahli xaš 'خیلی خوشمزه'

بلند خیلی خوشمزه خیلی

در این گویش قید مقدار «yeykeli» به صورت «enkeli» نیز به کار می‌رود.

۱۲) توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود

در گویش لری بویراحمدی برای بیان مفهوم ماضی بعید، فعل کمکی وجود دارد که پس از فعل اصلی ظاهر می‌شود. مثال‌های زیر از صرف فعل خواندن در کتاب مقیمی (۱۳۷۳: ۶۳) آورده شده است.

- | | | | |
|-------------------------------|-----------------|-------------------------------|-----------------|
| (21) xond-a-bid-om | ‘خوانده بودم.’ | (22) xond-a-bid-i | ‘خوانده بود.’ |
| ۱ش م- بود- نشانه گذشته- خواند | | ۲ش م- بود- نشانه گذشته- خواند | |
| (23) xond-a-bid | ‘خوانده بود.’ | (24) xond-a-bid-im | ‘خوانده بودیم.’ |
| ۰ بود- نشانه گذشته- خواند | | ۳ش ج- بود- نشانه گذشته- خواند | |
| (25) xond-a-bid-it | ‘خوانده بودید.’ | (26) xond-a-bid-en | ‘خوانده بودند.’ |
| ۲ش ج- بود- نشانه گذشته- خواند | | ۳ش ج- بود- نشانه گذشته- خواند | |

در گویش لری بویراحمدی برای بیان مفهوم زمان آینده فعل کمکی وجود ندارد؛ بلکه این مفهوم با همان صورت حال بیان می‌شود. مانند مثال‌های زیر.

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| (27) u: merd i:-yâ | (28) i:-ra-n yâsi:č |
| آی- اخباری مرد آن | ۳ش ج- رو- استمراری یاسوج |
| ‘آن مرد می‌آید.’ | ‘به یاسوج می‌روند.’ |

در این گویش برای بیان نمود ناقص (استمراری) از صورت ثابت hey استفاده می‌شود و این صورت همواره پیش از فعل اصلی ظاهر می‌شود.

- | | | | |
|--------------------|------------------|-------------------|------------------|
| (29) hey i-ra-t-om | ‘داشتم می‌رفتم.’ | (30) hey i-ra-t-i | ‘داشتی می‌رفتی.’ |
|--------------------|------------------|-------------------|------------------|

- ۱ش م - نشانه گذشته - رفت - استمراری - دارد
 ۲ش م - نشانه گذشته - رفت - استمراری - دارد
- (31) hey i-ra-t 'داشت می‌رفت.'
 (32) hey i-ra-t-im 'داشتیم می‌رفتیم.'
- ۱ش ج - نشانه گذشته - رفت - استمراری - دارد
 ۲ش ج - نشانه گذشته - رفت - استمراری - دارد
- (33) hey i-ra-t-id/in 'داشتید می‌رفتید.'
 (34) hey i-ra-t-en 'داشتند می‌رفتند.'

۱ش ج - نشانه گذشته - رفت - استمراری - دارد
 ۲ش ج - نشانه گذشته - رفت - استمراری - دارد

نتیجه حاصله از بررسی این مؤلفه به این قرار است: در لری بویراحمندی برای بیان زمان آینده از فعل کمکی استفاده نمی‌شود؛ اما برای بیان نمود ناقص از تکواژ «hey» پیش از فعل استفاده می‌شود. از طرفی، برای بیان مفهوم ماضی بعید فعل کمکی بودن را به خدمت می‌گیرند که همواره بعد از فعل اصلی واقع می‌شود. بدین ترتیب در ستون ۱۲ جدول (۲) و (۳) هر چهار خانه علامت‌گذاری شده است.

۱۳) توالی ادات استفهام و جمله

ادات استفهام برای پرسش‌های آری - نه "مگر، آیا" «ma» می‌باشد که در آغاز جمله ظاهر می‌شود.

- (35) ma va-š go-t-i 'مگر به او گشتی؟'

۱ش م - به مگر/آیا
 ۲ش م - نشانه گذشته - گو

در این گویش نشانهٔ مطابقه با فاعل به صورت واژه‌بست مطابقه با فاعل، به ضمیر اشاره پیوسته است.

۱۴) توالی پیرونمای بند قیدی و بند

پیرونمای/حرف ربط بند قیدی پیش از بند جای دارد.

- (36) sob ke vars-ân be-ra-y-en 'صبح که بلند شدند بروند.'

۱ش ج - واج میانجی - رو - التزامی
 ۲ش ج - بلند شد که صبح

۱۵) توالی حروف تعریف و اسم

لری بویراحمندی چهار ساخت معرفه‌ساز دارد. پسوندهای تکیه‌دار [-ku:] و [-u:] و ترکیبی از صفت - های اشاره [u:] ((آن)) و [i:] ((این)) به همراه پسوندهای تکیه‌دار [-vo] و [-yo] و [-ho] برای معرفه

کردن اسم به کار می‌روند. پسوند تکیه‌دار [i:] نیز برای معرفه‌کردن قیده‌های زمان استفاده می‌شود (رک. طاهری، ۱۳۹۱).

(37) morɣa-ku: zer talvâra deroma 'مرغ زیر قنسه بیرون آمد.'

درآمد قنسه زیر معرفه-مرغ

(38) seta âyam-i 'سه نکره'

نکره-آدم سه‌تا

در این گویش حرف تعریف معرفه و نکره همانند فارسی پس از اسم قرار می‌گیرد.

۱۶) توالی فعل و فاعل

در این گویش فاعل همیشه پیش از فعل ظاهر می‌شود.

(39) baxtiyâr tey-f bie (40) du:var-al ham i:-yâ-n

بختیار پیش-م-پیش بود هم ۳ش-ج-دختر

'بختیار پیش بود.'

'دخترها هم می‌آیند.'

[al] و [gal] هر دو پسوند جمع هستند که در لری بویراحمدی کاربرد [al-] با اسم‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در مثال ۴۰ دخترها با پسوند [gal-] ظاهر نمی‌شود. در واقع این پسوند بیشتر با صفات اشاره به کار می‌رود. در گویش بختیاری [gal-] با اسامی به کار می‌رود.

۱۷) توالی عدد و اسم

عدد قبل از اسم می‌آید.

(41) do bali 'دو بلوط' (42) da ru:z-i ya velâ 'ده روزی یک بار'

دو بلوط

بار یک نکره-روز ده

۱۸) توالی وند زمان- نمود و ستاک فعل

صرف فعل در این گویش همانند زبان فارسی می‌باشد و شناسه‌های به کار برده شده نیز همانند فارسی است. در سوم شخص مفرد شناسه تهی به کار می‌رود.

- (43) i:-xard-om 'می‌خوردم' ۱ش م- خورد- استمراری
- (44) i:-xard-i: 'می‌خوردی' ۲ش م- خورد- استمراری
- (45) xarda bi-y-om 'خورده بودم' ۱ش م- واج میانجی- بود خورده
- (46) ra-t-om 'رفتم' ۱ش م- نشانه گذشته- رفت
- (47) ra-t-i 'رفتی' ۲ش م- نشانه گذشته- رفت
- (48) rat 'رفت' Ø-رفت
- (49) ra-t-im 'رفتیم' ۱ش م- نشانه گذشته- رفت
- (50) ra-t-id 'رفتید' ۲ش ج- نشانه گذشته- رفت
- (51) ra-t-en 'رفتند' ۳ش ج- نشانه گذشته- رفت
- (52) hey i:-ra-m 'دارم می‌روم' ۱ش م- رو- استمراری دارم
- (53) hey i:-re-y 'داری می‌روی' ۲ش م- رو- استمراری داری
- (54) hey i:-ra 'دارد می‌رود' Ø- رو- استمراری دارد
- (55) hey i:-re-ym 'داریم می‌رویم' ۱ش م- رو- استمراری داریم
- (56) hey i:-re-yt 'دارید می‌روید' ۲ش م- رو- استمراری دارید
- (57) hey i:-ra-n/i:-ra-y-en 'دارند می‌روند' ۳ش ج- واج میانجی- رو- استمراری داریم

۱۹) توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی

تکواژ آزاد ملکی که همان واژه بست ملکی است، به صورت پی‌بست غیر فاعلی به اسم می‌پیوندد.

- (58) hu:na-mu:n 'خانه‌مان' (59) raxtxâb-šū:n 'رختخوابشان'
 ۳ش ج - خانه ۳ش ج - رختخواب

۲۰) توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در معنای توانستن

فعل‌های کمکی در مفهوم توانستن پیش از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

- (60) i:-tar-i: be-re-y 'می‌توانی بروی'
 ۲ش م - توان - استمراری ۲ش م - رو - التزامی
 (61) na-tares be-ger-eš 'نتوانست بگیردش.'
 ۳ش م - گیر - التزامی Ø - توانست - نفی

۲۱) توالی متمم‌نما و جمله متمم

متمم‌نما یا همان نشانه‌بند پیرو در آغاز جمله متمم می‌آید. صورت آن ke 'که' است.

- (62) četo vâbi: ke imâ-na yây kerd-i: 'چطور شد یادی از ما کردی؟'
 ۲ش م - کن یاد نشانه مفعول - ما که شد چطور
 (63) bo-m go ke čey i: zan dâr-i
 ۲ش م - داشت زن این چکار که Ø - گفت واژه بست ۱ش م - پدر
 'پدرم گفت که با این زن چکار داری؟'

۲۲) حرکت پرسش‌واژه

پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند و به اجبار به ابتدای جمله حرکت نمی‌کند.

- (64) key i:-tar-i pi:l-a va-m be-i:
 ۲ش م-توان- استمراری کی ۲ش م- به نشانه معرفه- پول ۲ش م-ده
 'کی می توانی پول را به من بدهی؟'

- (65) pil-a key va-š de-y 'پول را کی به او دادی؟'
 ۲ش م-داد ۳ش م- به کی نشانه معرفه- پول

۲۳) توالی مفعول و فعل

مفعول صریح گروهی قبل از فعل می آید. اما مفعول بندی بعد از فعل ظاهر می شود.

- (66) i: bāy-æ sær-šær be-zæ 'این باغ را هرس کن.'
 زن- امر ۳ش م- سر نشانه معرفه - باغ این

- (67) ma na-bāsi: i: hab-al-a yak-i be-xar-e
 ۳ش م- بخور- التزامی نکره- یک نشانه مفعول- ج- فرص این باید- نفی مگر
 'مگر نه اینکه یکی باید این فرص ها رو بخورد؟'

۲۴) توالی وند منفی ساز و ستاک فعل

وند منفی ساز نسبت به ستاک فعل پیشوند است.

- (68) ni:- tar-i 'نمی توانی'
 ۲ش م- توان- نفی
- (69) ni:-či:n-om 'نمی چینم'
 ۱ش م- چین- نفی

۳ . ۲ . بررسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمندی

در این زیربخش، کوشش بر آن است تا ساخت‌های حاصل از داده‌های بدست آمده در بخش قبل را با مؤلفه‌های درایر ارزیابی کنیم تا وضعیت رده‌شناختی این گویش تعیین گردد. برای نیل به این هدف لازم است مؤلفه‌های حاصل از داده‌ها را با رفتار رده‌شناختی ترتیب واژه زبان‌های جهان و همچنین اروپا-آسیا مقایسه کرد. زمینه لازم برای این کار در قالب جداولی است که در مقاله درایر (۱۹۹۲) آورده شده است. وضعیت رده‌شناسی لری بویراحمندی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها در جدول‌های (۲) و (۳) نشان داده

شده‌است. جدول (۲) وضعیت این گویش را در مقایسه با زبان‌های جهان آشکار می‌کند و جدول (۳) وضعیت این گویش را در مقایسه با زبان‌های اروپا- آسیا نشان می‌دهد. قبل از آن نمونه‌ای از جدول مقاله در زیر (۱۹۹۲) را ذکر خواهیم کرد.

جدول ۱: توالی فعل و قید حالت: (در زیر ۱۹۹۲)

جمع کل	آمریکای جنوبی	آمریکای شمالی	استرالیا و گینه نو	جنوب قسطنطنیه آسیا و اقیانوسیه	اروپا-آسیا	آفریقا	
۶۴	۱۴	۱۳	۱۳	۳	۱۸	۵	م.فعل، ق.فعل
۶	۳	۰	۰	۱	۱	۱	م.فعل، ق.فعل
۱۴	۰	۶	۴	۴	۴	۰	ق.م.فعل، ق.فعل
۴۴	۴	۵	۴	۱۰	۵	۱۶	ق.م.فعل، ق.فعل

در این جدول جهان به شش منطقه جغرافیایی تقسیم شده و برای هر منطقه جغرافیایی آمار همبستگی بین مؤلفه مورد نظر و ترتیب مفعول و فعل و نیز فعل و مفعول به تفکیک آورده شده‌است. در جدول (۱)، برای مثال در ستون آمریکای شمالی، همبستگی بین توالی قید حالت- فعل و ترتیب مفعول+ فعل ۱۳ می- باشد و هر کدام از این همبستگی‌های دیگر نیز عددی را به خود اختصاص داده‌اند در واقع این اعداد تعداد گروه‌های زبانی هستند که ساختار آنها مشابه است. با بررسی این اعداد می‌توان ترتیب غالب در یک زبان را به دست آورد. به عنوان مثال جدول بالا نشان می‌دهد که در این جفت همبستگی قید هم‌الگو با مفعول می‌باشد؛ چون عدد به دست آمده نسبت به بقیه موارد بزرگتر می‌باشد. پس در زبان‌های مفعول- فعل بیشترین تمایل به این سمت است که قید قبل از فعل آورده شود. حال با مقایسه مؤلفه‌های گونه لری با این جدول پی خواهیم برد که آیا در این مؤلفه گونه لری فعل پایانی یا میانی محسوب می‌شود؟ این کار را برای تمامی ۲۴ مؤلفه ذکر شده انجام خواهیم داد تا به گرایش غالب و کلی زبان لری در مقایسه با این زبان‌ها دست پیدا کنیم.

جدول ۲. لری بویراحمدی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا:

ردیف	مؤلفه													
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۴														
۱۳														
۱۰														
۱۷														

جدول (۲) مقایسه مؤلفه‌های رده‌شناختی گویش لری را در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود گویش لری دارای ۱۴ مؤلفه فعل پایانی قوی و ۱۸ مؤلفه فعل میانی قوی است. در مقایسه با فارسی، لری یک مؤلفه از مؤلفه‌ی فعل پایانی فارسی بیشتر دارد که آن هم در مؤلفه ۵ می‌باشد.

جدول ۳. گویش لری بویراحمدی در مقایسه با زبان‌های جهان

ردیف	مؤلفه													
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۱														
۱۳														
۸														
۱۹														

جدول شماره (۳) نشان دهنده مؤلفه‌های رده‌شناختی گویش لری بویراحمدی در مقایسه با زبان‌های جهان است. در این جدول مشاهده می‌شود که لری بویراحمدی دارای ۱۴ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل پایانی قوی و ۲۰ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل میانی است. این اختلاف، گرایش این گویش را به سمت زبان‌های فعل-میانی قوی نشان می‌دهد.

۴. نتیجه‌گیری

وضعیت رده‌شناسی گویش لری بویراحمدی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها در جدول‌های (۲) و (۳) نشان داده شده‌است. جدول (۲) وضعیت این زبان را در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا نشان می‌دهد و جدول (۳) وضعیت این زبان را در مقایسه با زبان‌های جهان نشان می‌دهد. در این دو جدول مشاهده می‌کنیم که لری بویراحمدی هم در مقایسه با زبان‌های جهان و هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا مؤلفه‌های بیشتری را از زبان‌های فعل میانی قوی در خود دارد. در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا گویش از ۱۴ مؤلفه فعل پایانی و ۱۸ مؤلفه فعل میانی قوی برخوردار است. در مقایسه با زبان‌های جهان نیز عدد ۱۴ برای مؤلفه فعل پایانی و ۲۰ برای مؤلفه فعل میانی قوی ثبت شده‌است. این گویش در تمامی مؤلفه‌ها به فارسی شباهت دارد به جز مؤلفه ۵؛ آنجا که گروه حرف اضافه در فارسی قبل از فعل ظاهر می‌شود؛ اما در گویش لری، هم قبل و هم بعد از فعل ظاهر می‌شود. پس لری بویراحمدی در مقایسه با زبان فارسی از مؤلفه‌های فعل پایانی بیشتری برخوردار است و این تمایل همانند زبان فارسی به سمت فعل میانی قوی سوق پیدا خواهد کرد.

کتاب‌نامه

- ثمره، یدالله (۱۳۶۹). ویژگی رده‌شناختی زبان فارسی، مجله زبان شناسی، س ۷ شماره ۱ ص ۶۱-۸۰
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبانهای ایرانی، انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
- شجاعی، فرخنده (۱۳۹۲). توصیف ساخت نحوی گویش بختیاری از دیدگاه رده‌شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان (۱۳۹۲)
- طاهری، اسفندیار (۱۳۹۱). گویش لری بویراحمد، ناشر- تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد، تهران: مرکز آمار ایران.
- مقیمی، افضل (۱۳۷۳)، بررسی گویش بویراحمد و ...، انتشارات نوید شیراز
- یوسفیان، پاکزاد (۱۳۸۱). توصیف رده‌شناختی زبان بلوچی، پایان نامه دکتری زبان شناسی همگانی، اصفهان، دانشگاه اصفهان

Anonby, E.J, (2003). *update on Lori, How many dialects*. JRAS3, 13, 2, pp 171-97

Comrie, B,(1989). *Langue Universals and Linguistic Typology*. University of Chicago Press.

Comrie, B.(2001). *Different View of Language Typology*. In M. Haspelmath, E.

- Konig, W. Oesterreicher, & W. Raible (Eds.), *Language Typology and Language Universals* (pp.25-39). Berlin & New York: Walter de Gruyter.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dryer, M. (1992). *The Greenbergian Word Order Correlation*. *Language*, 68, 81-138.
- Dabir-moghadam, Mohammad (2012). *Linguistic Typology: An Iranian perspective*, *Journal of universal language* 13-1, March (2012), 31-70
- Greenberg, J. H. (1963). Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements. In J. Greenberg (Ed.). *Universals of Language* (pp.73-113). Cambridge, MIT Press.
- Hawkins, J.A. (1980). *On Implicational and Distributional of Word Order*, *JL*, 16, 193-235
- Hawkins, J.A. (1983). *Word Order Universals*. Academic Press.
- Hawkins, J.A. (1998). *Some Issues in a Performance Theory of Word Order*. In A. Siewierska (Ed.), pp. 729-780
- Lehmann, W.P. (1978). Syntactic Typology: studies in the Phenomenology of Language, 49, 47-66
- Mackinnon, C. (2003). *Lori dialects*. Encyclopedia Iranica, online, www.Iranica.com.
- Vennemann, T. (1974). *Topics, Subjects and Word Order: From SXV to SVX via TVX*. In J. Anderson & Ch. Jones (Eds), *Historical Linguistics. Proceedings of First International Conference on Historical Linguistics*. Edinburgh, 3-7 September 1973, 2 Vols. North Holland, Amsterdam, pp. 339-376.